



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



آداب تشرف

بہ محضر پیامبر اکرم (ص)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آداب تشریف به محضر پیامبر اکرم

نویسنده:

مشخص نشده است.

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... آداب تشریف به محضر پیامبر اکرم
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... آداب تشریف به محضر پیامبر اکرم
۶	..... پذیرایی پیامبر از مهمانان چگونه است؟
۷	..... طعام معنوی پیامبر
۸	..... ضیافت پیامبر شب زنده داری است
۸	..... تکریم خداوند از پیامبر و مؤمنان
۹	..... فراهای نورانی زیارت جامعه
۱۰	..... گریه، سلاح مبارزه با شیطان
۱۰	..... پاورقی
۱۱	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## آداب تشرّف به محضر پیامبر اکرم

### مشخصات کتاب

نویسنده: مجله حوزه

ناشر: مجله حوزه

### مقدمه

آنچه در پی می آید متن سخنرانی آیه الله جوادی آملی در مدینه منوره است که پس از پیاده کردن از نوار، با اجازه معظم له اقدام به درج آن کردیم. این سخنان که در جمع حجاج خانه خدا و در کنار مرقد مطهر پیامبر گرامی (ص) و در یک فضای عرفانی و معنوی ایراد شده است دارای ابعاد علمی، تحقیقی و معنوی است. امیدواریم مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله و صلّى الله علی جمیع الانبیاء والمرسلین سیما خاتمهم و أفضلهم محمد (ص) و اهل بیته الطّیّین الطّاهرین سیما بقیه الله ارواح من سواه فداه، بهم نتولّى و من اعدائهم ننتبرء الی الله.

### آداب تشرّف به محضر پیامبر اکرم

اینجا مدینه منوره، حرم رسالت و ولایت است، شهر رسول اکرم علیه آلاف التحیه والإکرام است. انسان کامل هرگز مرگ ندارد، چون همواره زنده و شاهد است. و همه ما در مدینه، در مشهد و محضر رسول اکرم علیه آلاف التحیه والإکرام مشرفیم. نحوه شرف یابی به محضر آن حضرت را خدای سبحان در قرآن کریم ارائه کرده است که چه وقت، برای چه و چگونه به محضر حضرت برویم و بعد از پایان موعد چه کنیم. همه این امور را در سوره مبارکه احزاب بیان کرده و فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا- أن یؤذن» [۱]. «بدون اجازه وارد خانه رسول اکرم علیه آلاف التحیه والإکرام نشوید». اگر شما را به عنوان مهمانی دعوت کرده اند وارد بشوید، ما اینجا مهمان رسول اکرم (ص) می باشیم و در کنار سفره رسالت، غذا میل می کنیم «الی طعام غیر ناظرین انیه» [۲] بدون دعوت، حقورود ندارید. وقتی هم شما را دعوت کردند زود وارد نشوید بلکه منتظر پخته شدن غذا باشید، سعی کنید وقتی غذا پخت و آماده شد بروید «اذا طعمتم فانتشروا»، وقتی غذا میل کردید از آنجا منتشر بشوید. وقتی هم که در محضر حضرت نشسته اید سخنی که باعث انس یکدیگر است نگوئید «ولا مستأنسین لحديث ان ذلك یؤذی النبی فیستحیی منکم والله لا یستحیی من الحق» وقتی در محضر حضرت نشسته اید، سخن دنیا طرح نکنید، با یکدیگر مؤانسه نکنید، حرفی که حکمت و معرفت در او نیست نزنید، گفتار عادی را در محضر حضرت ترک کنید. مجلس پیغمبر مجلس علم و حکمت است، مجلس انس و مجلس سرگرمی نیست، این ترجمه کوتاهی از این آیه مبارکه است. در این آیه فرمود: فقط مؤمنین می توانند بروند، غیر مؤمنین مجاز نیستند، چون خطاب به اهل ایمان است «یا ایها الذین آمنوا»، مؤمنین هم بی دعوت مجاز نیستند و محور اذن و دعوت هم پذیرایی است که رسول خدا شما را دعوت می کند که مهمانی کند، و شما مهمان او باشید. «ولکن اذا دعیتم فادخلوا» بروید غذای رسول اکرم را بخورید.

### پذیرایی پیامبر از مهمانان چگونه است؟

این غذا چه غذایی است که رسول اکرم دعوت می کند؟ مؤمنین، مهمانان رسول اسلامند، در عین حال که ظاهر آیه از نظر پذیرایی صوری محفوظ است، اما از امام ششم سلام الله علیه در ذیل آیه «فلینظر الانسان الی طعامه» به نقل مرحوم کلینی (ره) رسیده است که «علمه الذی یاخذه ممن یاخذه» [۳] شما علمی را که فرا می گیرید، نظر کنید ببینید از چه کسی آن را می گیرید. گاهی طعام، یک طعام ظاهری است که با باران، مزرعه ها و باغ ها سرسبز و خرم می شود و گاهی یک طعام حقیقی و معنوی است که غذای روح می باشد و جان را تغذیه می کند. اگر طعام در این آیه دو مصداق داشت، طعام در آیه قبلی هم دو مصداق دارد. در جای دیگر این چنین آمده است: «ما باران را نازل می کنیم، زمین را می شکافیم و با بذر افشانی غذا فراهم می کنیم». اگر منظور از این طعام، طعام ظاهری باشد، منظور از آن آب، باران است و منظور از زمین و شیار و محصول آن، وسائل و محصولات کشاورزی و مانند آن خواهد بود، ولی اگر منظور از این طعام مصداق معنوی باشد مراد از آن آب، آب حیات، و منظور از زمین، زمینه حیات و زمینه دل خواهد بود و مانند آن. پس طعام در قرآن کریم دو مصداق دارد: «طعام جسم» و «طعام روح»، آن مصداقی که طعام جسم است و دیگران با ما در آن شریکند، درباره اش فرموده: «کلُوا و اروعوا انعامکم» [۴] و فرمود: «متاعاً لکم و لأنعامکم» اما آن طعامی که مصداق معنوی است، ما با فرشتگان در آن شریکیم، اگر برای فرشته مقامی است ما در تغذیه آن طعام شریک فرشته هاییم، اگر معرفت حق و توحید حق طعام معنوی است و فرشتگان از این طعام برخوردارند، خردمندان و علما همسایه فرشته اند، و لذا در کریمه «شهدالله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولوالعلم» [۵] علما را با فرشتگان یکجا یاد می کند یعنی در غذای معنوی، انسان های وارسته سهیم فرشته هایند، همانطوری که در غذاهای مادی انسان با انعام شریک است. بدینگونه به ما هشدار داده که طعام بدن، شریکی پایین تر از شما دارد، ولی اگر عالم شدید شریک فرشتگان در معارفید، و اگر در جنگ شربت شهادت نوشیدید شریک فرشتگان در پروازید. ذیل آیه کریمه «جاعل الملائکه رسلاً اولی أجنحه مثنی و ثلاث و رباع...» [۶] این چنین روایت شده که: شهید با فرشته هم پرواز است، جعفر طیار با فرشتگان هم پرواز است، و عباس بن علی سلام الله علیهما با فرشتگان هم پرواز است. گاه انسان دستش را در راه خدا می دهد و با «اولی اجنحه مثنی و ثلاث» هم پرواز می شود. گاهی تلاش و کوشش می کند تا عارف و عالم باشد، در این صورت با فرشتگان هم شهادت است.

### طعام معنوی پیامبر

پس طعام در قرآن کریم دو مصداق دارد، و خوردگان این طعام ها هم مشخص اند. و ما مهمان رسول اکرمیم، در کنار سفره طعام معنوی آن حضرت نشسته ایم تا او ما را تغذیه نماید. ما را دعوت کرده که عالم کند، بدون اذن وارد نشده ایم، بدون دعوت هم شرکت نکرده ایم. ما از این جهت به خود وعده می دهیم که با دعوت آمده ایم و امکان حضور بدنی نصیب ما شده است، و لذا خود را امیدوار می کنیم که پیام دعوت حضرت به ما رسیده است. اما اکنون که آمده ایم باید چه کنیم؟ جز این است که باید از طعام حضرت استفاده کنیم؟ اگر کسی خواست از غذای علمی حضرت استفاده کند شرطش چیست؟ فرمود: شما که مهمان پیغمبرید مبادا عمر خود را در مدینه با مؤانسه بگذرانید (مستأنسین لحدیث) مبادا دهان باز کنید و سخن عادی مطرح کنید، وقت را به اُنس و مؤانسه های صوری بگذرانید، باید اینجا سمیع بود و بصیر، باید شنوا بود و بینا. شما آمده اید حرف بشنوید یا حرف بزنید؟ اگر آمده اید که چیزی یاد بگیرید پس حرف نزنید که پیغمبر را می رنجاند. (مستأنسین لحدیث ان ذلکم یوذی النبی فیستحیی منکم) مگر بین حرم و هتل فرق هست؟ مگر یک دیوار به عنوان مرز حرم حاجب است؟ اگر شب در حرم را بستند یعنی دیگر راهی برای زیارت نیست؟ پشت دیوار حرم نمی توان زیارت جامعه را قرائت کرد؟ اگر شب راه نیست نمی توان بار یافت؟ اگر یک دیوار و دو دیوار حاجب باشد که انسان نمی گوید: «من شهادت می دهم تو مقام مرا می بینی و سلام و کلام مرا می شنوی و جواب می دهی، منتها خدا اجازه نداده که من لذت مناجات تو را درک کنم» آیا خدایی که ارحم الراحمین است او مانع

از لذایذ مناجات است؟ یا بدخوری و پرخوری ظاهری نمی گذارد که انسان لذت مناجاتش را بچشد؟، یا آن استیناس و مؤانسه و مجلس انس داشتن در مسافرخانه ها و دور زدن در کوی و برزن مانع لذت مناجات است! خداوند فرمود: «اگر مهمان رسول اکرمید مؤانسه نکنید و این کار شما رسول اکرم را می رنجاند». در قرآن کریم آمده: «کسانی که پیغمبر را می رنجانند از رحمت خاصه به دور می مانند». او از شما خجالت می کشد ولی خدا استیحاء ندارد. بالصرحاً می گوید: اگر در محضر نبی اکرم آمده اید حرفهای عادی نزنید، به خنده کردن وقت نگذارید، به تعلیم و تعلم وقت بگذارید. آن ساعتی که مشغول تدریسید مهمان رسول اکرمید، آن لحظه ای که سرگرم ارشاد و هدایتید مهمان رسول اکرمید، گرچه مشغول یاد دادن احکامید ولی دارید تغذیه معنوی می کنید، گرچه سرگرم ارشاد و هدایتید ولی دارید تعلّم می کنید. ما نباید همتمان تا این حد باشد که در قیامت به جهنم نرویم، خدا ما را نسوزاند، این یک همت نازلی است. در قیامت خدای سبحان بسیاری از انسانها را به جهنم نمی برد، کودکان را به جهنم نمی برد، دیوانه ها را به جهنم نمی برد، مستضعفین فطری را به جهنم نمی برد. جهنم نرفتن و نسوختن که هنر نیست، با فرشته ها هم صحبت بودن هنر است، کاری کردن که فرشته ها به استقبال انسان بیایند هنر است، «سلام علیکم طبتم فادخلوها» [۷] را از زبان فرشته ها شنیدن هنر است. آنها خدمه شمایند. و الآن راه در اینجا برای رسیدن به این مقام باز است. ساده ترین کاری که موجب آزار پیامبر (ص) نشود آن است که مواظب خوراک و گفتارمان باشیم. این از سخنان نورانی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه است که فرمود چند چیز با چند چیز جمع نمی شود «لا تجتمع البطنة والفتنة والشهوة والحكمة» [۸] پرخوردی با مصمّم بودن جمع نمی شود، کسی اهل عزم است که پرخور و بد خلق نباشد. تبعیت از شهوات نفسانی با حکیم بودن سازگار نیست. شخصی در محضر رسول اکرم آروغ زد، حضرت فرمود: «أقل من جشأتك» [۹] چرا به خودت اجازه می دهی آنقدر بخوری که در محضر دیگران آروغ بزنی، تو انسانی، بهمان اندازه که برایت لازم است اکتفا کن. آنها که همیشه سیرند گرسنگی فراوانی در قیامت در پیش دارند.

### ضیافت پیامبر شب زنده داری است

مهمان پیغمبر بودن با شکم پر ممکن نیست و اگر کسی اهل مؤانسه باشد شب را با دیگران به انس می گذرانند و دیگر فراغتی ندارد، «ان لك في النهار سبحةً طويلاً» او اجازه نمی دهد که «إن ناشئ الليل هي اشد وظاً و أقومُ قِيلاً» [۱۰] نصیص شود. اگر کسی مهمان رسول اکرم است، ممکن نیست از شب زنده داری محروم باشد، زیرا پذیرائی پیامبر تهجد است و به شب زنده داری دعوت می کند. ضیافت رسول اکرم در احواء لیل است و با مؤانسه دوستان در شب، سازگار نیست. اگر خدا فرمود: «شما مهمان رسول اکرمید»، غذاهای رسالت را مشخص کرد، فرمود پنج نماز است که دیگران با تو شریکند و تو با دیگران سهیمی. اما این نماز ششم، نماز خاص است «أقم الصلاة لدلوك الشمس الی غسق الليل». چهار نماز عبارتند از: ظهرین و مغربین یعنی از دلوک شمس تا دل شب و قرآن الفجر که پنجمین نماز است، همه در خواندن آن شریکند. امّا «و من الليل فتهجد به نافلة لك»، مال تو، «عسی ای یبعثك ربك مقاماً محموداً» [۱۱] تو این مقام و سفره را به دیگران خواهی داد و از آنها پذیرایی می کنی، چون آنان مهمان تواند. بدیهی است که اگر کسی مهمان پیغمبر شد، از غذای او استفاده می کند و از خود سخنی ندارد. حال که اینجا غذا را میل کرد (و اذا طعمتم فانتشروا) به اقطار عالم منتشر شوید تا همین غذاها را منتقل کنید.

### تکریم خداوند از پیامبر و مؤمنان

اگر اینگونه مهمان شدید، آنگاه خداوند و همه فرشته ها بر شما صلوات و درود می فرستند، آری انسان عادی به جایی می رسد که خدای سبحان و ملائکه بر او صلوات بفرستند. در همین سوره مبارکه احزاب اگر صلوات خدا و فرشته ها بر رسول اکرم علیه آلاف



التحیه والإکرام مطرح است. صلوات خدا و فرشتگان بر شما هم مطرح است. اگر در این سوره فرمود: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی» در همین سوره نیز فرمود: «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته» [۱۲] این چه انسانی است که می تواند به جایی برسد که خدا بر او صلوات بفرستد! کاری نکنیم که افراد ساده ای که در کاروان ما هستند، به جایی برسند که در قیامت ما به شفاعت آنها محتاج باشیم. مرحوم بحر العلوم رضوان الله علیه می گوید: مرحوم خواجه نصرالدین طوسی در درس وقتی نام سید مرتضی را برد گفت: «قال السید المرتضی صلوات الله علیه» برای رفع اعجاب شاگردان فرمود: «فکیف لا یصلی علی المرتضی!». اگر خدا بر شما صلوات می فرستد، ملائکه خدا بر شما صلوات می فرستند، این محصول مهمانی رسول اکرم است، خدا می خواهد شما را نورانی کند، وگرنه مسائل مادی چندان ارزش ندارد، زیرا همه این مسائل رفاهی که در این یک ماهه نصیب زائران می شود، یک روزه نصیب متکثرانی خواهد شد که وقتی از سایه قصرشان می گذری می بینی سایه آن به آسانی تمام نمی شود و لذا فرمود: «اگر خواستید بدانید دنیا چقدر می ارزد ببینید به دست چه کسی است»؟ آنچه در این دو صلوات هست، این است که درباره نبی اکرم فرمود: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی» [۱۳] در تسلیه بر رسول اکرم همه فرشتگان در خدمت خدای سبحان با هم صلوات می فرستند که یک تجلیل است. شما اگر خواستید از دوستان تکریمی به عمل آورید با همه آشنایان یکجا به دیدار او می روید، وقتی هم خدای سبحان بر رسول اکرم صلوات می فرستد همه فرشته ها را در خدمت خود جمع می کند و می فرماید خدا و فرشتگان خدا بر نبی اکرم صلوات می فرستند، اما در همین سوره وقتی سخن از صلوات بر مؤمنین است خدا درباره مؤمنین تنها صلوات می فرستد، ملائکه هم جدا، لذا فرمود: «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته» وقتی جمله «هو الذی یصلی علیکم» تمام شد، آنگاه جمله «ملائکته» را بر آن عطف کرد، در آنجا عطف مفرد بر مفرد است، در اینجا عطف جمله بر جمله. نشانه صلوات خدا و فرشتگان چیست؟ نشانه اش «لِیُخْرِجْکُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» است و شما را نورانی می نماید، یک انسان نورانی به طبیعت تیره نمی نگرد.

### فرازهای نورانی زیارت جامعه

ما در اینجا تنها مهمان رسول اکرم نیستیم بلکه مهمان اهل بیت هم هستیم «بقیع و ما ادریک ما البقیع؟!» شما زیارت جامعه را در مشاهده دیگر می خوانید، اما آنطور که در بقیع زیارت جلوه می کند در مشاهده دیگر ظهوری ندارد. در فرازهای نورانی زیارت جامعه عرض می کنیم: شما ای اهل بیت نبوت محقق به عرش بودید، محیط به عرش «الله» بودید، در آن جایگاه رفیع منزلت داشتید، و خدا بر ما منت نهاد شما را از عرش به فرش آورد، در بین مردم هستید، «ذکرکم فی الذاکرین و اسماءکم فی الأسماء و اجسادکم فی الاجساد و ارواحکم فی ارواح و انفسکم فی النفوس و آثارکم فی الآثار و قبورکم فی القبور، فما احلی اسمائکم و اکرم انفسکم و اعظم شأنکم و اجل خطرکم و اوفی عهدکم و اصدق وعدکم» شما در بین مردمید، بدن های شما در بین ابدان است، نام های شما در بین نام های دیگران است، آثار شما در بین آثار دیگران و قبرهای شما هم در بین قبور است. در سایر مشاهده این جمله «قبورکم فی القبور» (قبور شما را با دیگران یکسان کردند) خیلی جلوه ندارد، زیرا قبور آنها از قبور دیگران ممتاز است، ولی در بقیع وقتی انسان کنار این قبور مطهره قرار می گیرد، می بیند چنین است. «فما احلی اسمائکم» چقدر نام شما شیرین است. خوب اگر کسی نام حسن بن علی (ع) را ببرد، نام علی بن الحسین (ع) را ببرد، نام محمد بن علی (ع) را ببرد، نام جعفر بن محمد (ع) را ببرد و لذت نبرد، نمی تواند بگوید نام شما چقدر شیرین است، قبر شما چقدر پرجاذبه است، اثر شما چقدر شیرین است. مبادا بدون خلع نعلین وارد حرم مطهر ائمه بقیع بشوید. به این زائران عزیز که از یک کشور فداکار شیعه آمده اند بفرمایید ادب و احترام بقیع در این نیست که خود را به قبر بیندازید، وقتی وارد می شود بعد از اذن دخول، باید کفش را همین دم در، بیرون آورید، آهسته آهسته قدم بردارید، تا شیرینی این جمله ها را احساس کنید. به ما گفتند وقتی در کنار این قبور رسیدید و می بینید با سایر قبرها یکسانند بگویید: «واکرم انفسکم و اعظم شأنکم و اجل خطرکم و اوفی عهدکم و اصدق وعدکم» و آنگاه می گوییم: «کلامکم نور و امرکم

رشد و وصیتکم التقوی و فعلکم الخیر»، حرفتان نور است. «و عادتکم الأحسان و سجتکم الکرّم»، شما نورانی هستید، حرفهای روشنگرانه دارید و فطرت و سجه شما کرم و بخشش است، بنابراین ما با دیگران فرق داریم. با ما چند کلمه حرف بزنید. آن بزرگواران گاهی در رؤیا با آدم حرف می زنند، گاهی در بیداری. اگر کسی در خود احساس تغییر حالت کرد بداند که ائمه بقیع سلام الله علیهم با او حرف زده اند، و اگر کسی در خود حالی ندید، ناامید نباشد. یک راه است و دیگر هیچ، و آن اشک (و سلاحه البکاء). یک میلیون نفر آمدند و زیارت کردند و رفتند، آیا ما هم باید این چنین باشیم، ما با همه مردم روی زمین فرق داریم. تنها کشوری که ولایت علی و اولاد علی «ع» در آن است، کشور ماست. تنها کشوری که به عشق شهادت آزادیش را تضمین کرده است، کشور ماست. ما آمدیم بدون شنیدن حرف اینها برگردیم؟ بدا به حال ما که چیزی نشنومیم و برگردیم! حرف آنها از دل برمی خیزد، آنکه حرف را با دل گرفت با دل ها سخن می گوید «نزل به روح الامین علی قلبک لتکون من المنذرین» [۱۴] او هم با دل ها سخن می گوید. اگر تغییری در خود دیدید بفهمید حضرت با ما سخن گفت، اگر تغییری در حالمان دیدیم باید بفهمیم که بقیع با ما سخن گفته و اگر تغییری پیدا نشد بنالید تا تغییر پیدا بشود.

### گریه، سلاح مبارزه با شیطان

آنکه نگذاشت ما حرف ائمه را بشنومیم کیست؟ یا شیطان درون است یا شیطان بیرون آنچه نگذاشت ما این نور را احساس کنیم کیست؟ یا نفس اماره است یا ابلیس، خوب اگر خواستیم بر این دشمن پیروز بشویم چه کنیم؟ اینجا که جای توپ و تانکیست، این دشمن بیرون را با سلاح گرم می شود از پا در آورد، اما نفس اماره را با کدام اسلحه از پا در بیاوریم؟ (و سلاحه البکاء) ناله و جزع و شیون انسان را فاتح می کند، زیرا اگر کسی ننالند که پیروز نمی شود، و اگر پیروز نشد بطور عادی می آید، بطور عادی برمی گردد؛ حدّا کثر آن است که آن را به جهنم نبرند. آن کفاری که دسترسی به این معارف اسلامی ندارند و در دورترین نقاط عالمند آنها را به جهنم نمی برند، نسوختن که هنر نیست. انسانی که اهل دنیاست گرفتار قساوت دل و جمود عین است، پس از این فرصت حدّا کثر استفاده را بکنید.

### باورقی

[۱] احزاب: ۵۳.

[۲] «انی» (مقصوراً) یعنی غذا نضح و پخته شد و «اناء» (ممدوداً) یعنی ظرف.

[۳] بحار، ج ۲، ص ۹۶.

[۴] طه: ۵۴.

[۵] آل عمران: ۱۸.

[۶] فاطر: ۱.

[۷] زمر: ۷۹.

[۸] کافی، ج ۴، ص ۲۴۸.

[۹] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۵۶.

[۱۰] مزمل: ۶۷.

[۱۱] اسراء: ۷۹، ۷۸.

[۱۲] احزاب: ۵۶.

[۱۳] احزاب: ۳۳.

[۱۴] شعراء: ۱۹۳.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

